

## **Analysis of structural and content elements of two allegorical travel histories based on intertextual approach (Al-Ghafran Treatise and divine comedy)**

Shohreh Marefat <sup>1</sup>, Laleh Marefat <sup>\*2</sup>

<sup>1</sup> Researcher, Department of Correction of Texts of Persian Language and Literature Academy

<sup>2</sup> Ph.D. student at Tehran Teacher Training University

\*Corresponding author: Marefat@gmail.com

DOI: [10.22034/jltll.v2i2.40](https://doi.org/10.22034/jltll.v2i2.40)

Received: 12 Dec, 2018

Revised: 19 May, 2018

Accepted: 11 Sep, 2019

### **ABSTRACT**

The fictional world of story, including allegorical travelogues, goes some way beyond this world: hell, limbo and paradise. Fiction works also cross national borders and enter the world of literature. Among the types of allegorical travelogues, we can refer to Al-Ghafran. This work, which belongs to the Islamic world, went to the West its Islamic beliefs and influenced Dante's Divine Comedy. In this article, with an intertextual approach, we do structural and content comparison of these two works. Despite some differences between these two works, many similarities can be found among them. Although Divine Comedy is one of the most spectacular examples in its literary genre world-wide, but precedence of Al-Ghafran can not be ignored, the precedence and influence, which is by no means superior to this work.

**Key words:** Comparative Literature, Intertextuality, Al-Ghafran Treatise, Divine Comedy, Dante.

## تحلیل عناصر ساختاری و محتوایی دو سفرنامه تمثیلی بر اساس رویکرد بینامتنی (رسالة الغفران و کمدی الهی)

شهره معرفت<sup>۱\*</sup>، لاله معرفت<sup>۲</sup>

۱. پژوهشگر گروه تصحیح متون فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت معلّم تهران

\*نویسنده مسئول مقاله Email: Marefat@gmail.com

DOI: [10.22034/jlitl.v2i2.40](https://doi.org/10.22034/jlitl.v2i2.40)

پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۰

اصلاح: ۹۸/۰۲/۲۹

دریافت: ۹۷/۰۹/۲۲

### چکیده

دنیای خیال‌انگیز داستان، از جمله سفرنامه‌های تمثیلی گاه به ماورای این جهان گام می‌نهد: به دوزخ، برزخ و بهشت. آثار داستانی نیز گاه از مرزهای ملی خود درمی‌گذرند و به عرصه ادبیات جهانی وارد می‌شوند. از میان گونه سفرنامه‌های تمثیلی، می‌توان به رسالة الغفران ابوالعلاء معری اشاره کرد. این اثر که به جهان اسلام تعلق دارد، همراه با باورهای اسلامی خود به غرب رفت و آثاری چون کمدی الهی دانته را تحت تأثیر قرار داد. در این مقاله، با رویکرد بینامتنی، به مقایسه ساختاری و محتوایی این دو اثر پرداخته خواهد شد. با وجود برخی تفاوت‌ها میان این دو اثر، شاخصه‌های همسان بسیاری در میان آنها می‌توان یافت. با وجود آن‌که کمدی الهی یکی از نمونه‌های مسلّم در گونه ادبی خود در سطح جهان است، اما فضل تقدّم رسالة الغفران را نمی‌توان نادیده گرفت، تقدّم و تأثیرگذاری‌ای که بی‌شک از برتری‌های این اثر است. واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، بینامتنی، رسالة الغفران، معری، کمدی الهی، دانته.

۱. مقدمه

سفرنامه‌های خیالی، از گونه‌های روایی دیرآشنایی است که نویسندگان در آن به شرح سفری خیالی می‌پردازد و به آن رنگی واقعی می‌دهد. نمونه‌های شرقی و غربی این گونه روایی متعدد است. از جمله نمونه‌های شرقی سفرنامه‌های خیالی، رساله الغفران ابوالعلاء معری (۳۶۳-۴۴۹هـ.ق / شاعر و فیلسوف عرب) است. شاعر نابینای عرب، این کتاب را در پاسخ به ابن القارح نوشت. رساله الغفران دارای دو بخش است: بخش نخست شامل سفرهای ابن القارح (از ادیبان حلب) به آسمان و جایگاه شاعران در بهشت و دوزخ است و بخش دوم در پاسخ به پرسش‌های ابن القارح و ردّ آرای اوست. نمونه غربی همسان با این اثر، کم‌دی الهی آلیگیری دانته (۱۲۶۵-۱۳۲۱م. / شاعر ایتالیایی) است که جایگاه والایی در ادبیات جهان دارد. این شاهکار جهانی، «طبعاً نمی‌توانسته است ابتدا به ساکن به وجود آید... فکر سفر به دنیای ارواح فکری نیست که دانته مبتکر آن باشد، زیرا این فکر پیش از او وجود داشته و بارها موضوع آثار مختلف ادبی و هنری قرار گرفته است» (دانته، ۱۳۷۸ (الف): ۴۳). این اثر غربی را، متأثر از دو اثر شرقی دانسته‌اند: سیر العباد إلى المعاد سنایی و رساله الغفران ابوالعلاء معری. گفتنی است در زمان دانته، رساله الغفران به لاتینی ترجمه شده بود و بعید است که شاعر حقیقت‌جویی چون دانته آن را نخوانده باشد (نک: معری، ۲۹: بی تا). شاهکار غربی - مسیحی دانته، نشان‌گر ارزشمندی نمونه شرقی - اسلامی آن است که پیش از آن نوشته شده است.

در این نوشتار بر اساس رویکرد بینامتنی و انواع آن، به مقایسه ساختاری، زبانی و محتوایی این دو سفرنامه تمثیلی پرداخته شده است. درباره این رویکرد، شالوده و انواع آن، در ادامه چند سطر به اختصار خواهد آمد.

۲. رویکرد پژوهش: بینامتنیت، تعریف و انواع آن

اصطلاح بینامتنیت (التناص / intertextuality)، برای نخستین بار در اواخر دهه شصت میلادی در آثار ژولیا کریستوا (۱۹۴۰م. / فیلسوف و منتقد بلغاری - فرانسوی) مطرح شد (نک: ایبرمز، ۱۳۸۷: ۴۴۷). نخستین پایه‌های بینامتنیت از نشانه‌شناسی سوسور مایه گرفت؛ چنان‌که «گفتمان موجود در هر متنی با گفتمان‌های موجود در متن دیگر، در همان رابطه‌ای قرار می‌گیرند که سوسور میان زبان و گفتار برقرار کرده است؛ بدین معنا که شرط درک هر گفتمان، آگاهی از گفتمان‌های هم‌سنخ آن است، درست همان‌طور

که درک هر گفتار نیز در گرو برخورداری از دانش پیش‌داده زبان ویژه‌ای است که گفتار مزبور به آن تعلق دارد» (حق‌شناس، ۱۳۸۷: ۱۴).

بینامتنیت، به معنای گفت‌وگوی میان متن‌ها است؛ به عبارت دیگر، یک متن با متون پیش و پس از خود پیوسته و چون بینامتنی در میان آنها قرار گرفته است. به باور معتقدان بدین رویکرد، هیچ متنی اصیل نیست و هر متن، در واقع از متون پیشین خود نشانی دارد.

بینامتنیت، دارای انواع متعددی است؛ از جمله: بینامتنیت آشکار (الظاهر)، پنهان (اللاشعوری)، دینی، اسطوره‌ای (الأسطوری) و... . در این نوشتار بر اساس انواع شکلی و مضمونی بینامتنیت، به تحلیل و مقایسه همسانی‌های دو متن مورد مطالعه پرداخته می‌شود. در بینامتنیت شکلی، ساختار یک متن در متن دیگر نمود می‌یابد و در نوع مضمونی آن، مفهوم متنی در متن دیگر جلوه‌گر است. در ادامه، انواع بینامتنیت شکلی و مضمونی در دو متن مورد مطالعه مورد بررسی و تبیین قرار خواهد گرفت.

### ۳. مقایسه و تحلیل دو متن

#### الف - بینامتنیت شکلی

##### \* ساختار همسان

از نظر ساختاری، هر دو متن همسان‌اند و در هر دو، سفری سه‌گانه اتفاق می‌افتد: سفر به بهشت، برزخ و دوزخ. با این تفاوت که سفر در رساله الغفران از بهشت به دوزخ و در کمدی الهی از دوزخ به بهشت است. گذشته از آن، تفاوت دیگری در ساختار این دو متن ملاحظه می‌شود و آن این‌که دانه به میزانی تقریباً مساوی از هر سه بخش سفر سخن گفته است، حال آن‌که معرّی این توازن را رعایت نکرده است و بیش از همه به بهشت پرداخته است.

##### \* شخصیت اصلی

هر دو متن یک شخصیت اصلی دارند. شخصیت اصلی رساله الغفران، ابن القارح است. او در بهشت شاعرانی را می‌بیند که بر خلاف انتظارش در خوشی به سر می‌برند و در دوزخ شاعرانی را که توبه نکرده‌اند و در برزخ، جنّیانی که در حال توبه‌اند. شخصیت اصلی در کمدی الهی، خود دانه است. در این سفر، دانه همراه با ویرژیل (شاعر روم باستان و نماد خرد و حکمت و دانایی) و بثاتریس (نماد عشق) سفر می‌کند. عقل راه دوزخ و عشق راه بهشت را بدو نشان می‌دهد. معرّی با قرار دادن ابن القارح در

بهشت، گویی آتش پرسش‌گری و انتقاد ابن القارح را اندکی فرومی‌نشاند و دانته با محور قرار دادن خود در روایت، آن را صمیمانه‌تر و باورپذیر می‌کند. گفتنی است معری علّت در بهشت بودن ابن القارح را در همین هدایت‌گری خود می‌داند که این مسأله از ظرافتی طنزگونه نیز خالی نیست.

✽ دغدغه شعری

دانته کمدی الهی را به شعر سروده است. معری نیز هر چند رساله الغفران را به نثر نگاشته است، اما در این کتاب بدان اندازه به شعر و شاعران و مسائل شعری توجه دارد که آن را به فرهنگی شعری همانند کرده است. شعراندیشی معری را می‌توان در صفحه به صفحه کتابش ملاحظه کرد؛ از جمله: تعریف شعر: به باور معری، شعر، «عبارت است از کلام موزون که غریزه آن را بر شرایطی می‌پذیرد و اگر کم یا زیاد شود، به حسّ دریافته گردد» (معری، ۹۳ و ۹۴).

اغراض شاعرانه: معری تقرّب به بزرگان سیاسی را از اغراض شعر می‌داند (معری، ۹۳).

نقد و زیبایی‌شناسی شعر: پرداختن به مسائل زیبایی‌شناسی شعر در رساله الغفران فراوان است. «ای عدی در دو بیت از شعرهایت دو چیز را که آورده‌ای، ای کاش نمی‌آوردی. در یکی کلمه فاره = تندرو را که از صفات خر و اشتر است، صفت اسب آورده‌ای و دیگری اسم لیت را حذف کرده‌ای...» (معری، ۶۲). (و نیز برای نمونه‌های بیشتر در این باره، نک: معری، ۶۶، ۸۸، ۸۹، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱ و ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۰ و ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۱).

زبان آهنگین: موسیقی زبان معری، به‌ویژه در مقدمه کتاب، بر جنبه‌های شاعرانه آن می‌افزاید. برای مثال، «وصلت الرّسالة التي بحرها بالحكم مسجور و من قرأها لاشكّ مأجور... و يعمد إليها المغترف بكؤوس من العسجد و أباريق خلقت من الزبرجد» (معری، ۹ و ۱۰).

ب- بینامتنیّت مضمونی

✽ نقد دینی

رساله الغفران، سرشار از آموزه‌های اسلامی و کمدی الهی، سرشار از آموزه‌های مسیحی است. اسلام و مسیحیّت چنان نقشی محوری در این دو متن می‌یابند که حتی شماری از کسانی که روزگار اسلام و مسیحیّت را درک نکرده‌اند، در دوزخ‌اند. با وجود این، دانته برخی از مفاهیم اسلامی چون برزخ، ثواب، عذاب و... را از اندیشه اسلامی به وام گرفته است (نک: فروخ، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

✽ نقد فضای سیاسی - اجتماعی حاکم

فضای سیاسی - اجتماعی حاکم بر روزگار معری و دانته بی‌شبهت نیست؛ یعنی فضای معرّه در سده چهارم و پنجم هجری و فلورانس در سده سیزدهم میلادی. فضای نابسامان سیاسی - اجتماعی در هر دو جامعه و قشری شدن دین، از جمله مسائلی است که بر ذهن این دو نویسنده تأثیر گذاشته و در زبانشان نیز نمود یافته است.

✽ خیال‌انگیزی‌های قصّه‌وار

خیالی بودن هر دو سفرنامه، تصاویری سوررئالیستی را در آنها آفریده است: «به قدرت خداوند منان، ابری آن‌چنان زیبا که کس به مانند آن ندیده است، بر آسمان آشکار می‌گردد، برق‌های زیبا از آن می‌درخشد و به جای باران، گلاب بهشتی از آن می‌بارد و به جای تگرگ، دانه‌های کافور می‌پراکند... ناگاه به اراده پروردگار عالم درخت گردویی کشن قد می‌افزاید و آن‌قدر گردو می‌دهد که جز خدای کس به عدد آن آگاه نیست. آن‌گاه هر گردویی را که می‌شکافد و از درون آن چهار زن بیرون می‌آید. زنانی آن‌چنان زیبا که هر بیننده‌ای را مسحور می‌کنند... در این میان یکی از طاووس‌های زیبای بهشت از میان آن جمع می‌گذرد، در دل ابوعبیده این هوس پدید می‌شود که کاش این طاووس را می‌کشتند و می‌پختند و با سرکه آمیخته برای او می‌بردند. در حال طاووس به همان صورت که آن مرد بهشتی آرزو کرده درمی‌آید و در یک سینی زرین در مقابل او گذاشته می‌شود. چون ابوعبیده سیر می‌شود و دست از طعام می‌کشد، بار دیگر طاووس به همان صورت نخستین بازگشته، در ریاض جنت به خرامیدن می‌پردازد... شیخ دست دراز کرده، گلایی یا سیب یا هر میوه دیگری را می‌چیند و می‌گشاید. در حال زنی سیاه‌چشم و زیبا چنان‌که دیده هر بیننده را خیره کند، از میان آن بیرون آید» (معری، ۱۱۰-۱۱۵). نمونه‌های این تصاویر سوررئالیستی در کمدی الهی در صفحه به صفحه آن ملاحظه می‌شود و زبان شاعرانه دانته بر شدت آن می‌افزاید؛ از جمله این تصاویر سوررئالیستی عبارتند از: جهان جاودانه، طبیعتی جادویی (رودهای سحرآمیز و گیاهان خلق‌السّاعه)، موجوداتی وهمناک و... سخن گفتن حیوانات نیز که در هر دو متن ملاحظه می‌شود از دیگر تصاویر سوررئالیستی آنها است.

این تصاویر سوررئالیستی در زبان شاعرانه دانته بیش از معری نمود می‌یابد، چرا که معری اغلب با بحث درباره شعر و مسائل شعری و کاوش‌های زبانی، متن را به دنیای واقعی نزدیک‌تر می‌سازد.

✽ تصویری یکسان: ملاقات با حضرت آدم

تصویر یکسان و شایان توجهی که معرّی و دانته در متن خود دارند؛ یعنی ملاقات با حضرت آدم و به‌ویژه پرسش مشترکی (زبانی که در زمین بدان تکلم می‌کرده است) که هر دو از آدم می‌کنند، گمان تأثیر دانته را از معرّی می‌افزاید. معرّی آدم را در بهشت به زبان عربی در حال تکلم می‌بیند و آدم می‌گوید که پس از هبوط بر زمین به زبان سریانی سخن می‌گفته است. گویی بر این تعبیر اندیشه‌ای دینی حاکم است، چرا که زبان عربی را زبان عالم برین دانسته است، حال آن‌که آدم به دانته پاسخی متجددانه‌تر می‌دهد و زبانی را که بدان سخن می‌گفته است، زبانی می‌داند که مدت‌ها پیش از نمرود از میان رفته است. به باور او انسان‌ها در هر عصری با توجه به شرایط زمان، زبان خود را خلق می‌کنند.

## نتیجه گیری

با وجود برخی تفاوت‌ها (حجم بیشتر کمدی الهی، تمرکز بیشتر معرّی بر عنصر زبان، محوریت عناصر اسلامی در رساله الغفران و عناصر مسیحی و گاه عناصری برگرفته از اندیشه اسلامی در کمدی الهی، توجه دانه به زن)، یکسانی‌ها و همسانی‌های میان رساله الغفران و کمدی الهی، ملاحظه می‌شود که تأثیرپذیری دانه از معرّی را قوّت می‌بخشد. نمونه‌های این تأثیرپذیری را می‌توان در همسانی‌های شکلی (ساختار همسان، دغدغه‌های شعری) و مضمونی (نقد دینی، سیاسی، اجتماعی، خیال‌انگیزی‌های قصّه‌وار، تصاویر مشترک) این دو متن ملاحظه کرد.



منابع و مأخذ

- ایبیرمز، ام. اچ؛ هرفم، جفری گالت. (۱۳۸۷). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی (انگلیسی - فارسی). مترجم سعید سبزیان م. تهران: رهنما
- حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۸۷). مولانا و حافظ، دو همدل یا دو همزبان. نقد ادبی. سال ۱. شماره ۲. صص ۱۱-۲۹
- دانت، آلیگیری. (۱۳۷۸ الف). کمدی الهی - دوزخ (جلد اول). ترجمه شجاع‌الدین شفا. چاپ هفتم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). کمدی الهی - برزخ (جلد دوم). ترجمه شجاع‌الدین شفا. چاپ شانزدهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ ب). کمدی الهی - بهشت (جلد سوم). ترجمه شجاع‌الدین شفا. چاپ هفتم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- فروخ، عمر. (۱۳۸۱). عقاید فلسفی ابوالعلاء. ترجمه حسین خدیو جم. تهران: علمی و فرهنگی
- معری، ابوالعلاء. (بی تا). آمرزش. تهذیب و ترجمه عبدالمحمد آیتی. چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات اشرفی.



### **Acknowledgements**

We would like to express our thanks to Seyyed Mohammad Razi Mostafavi Nia and reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

### **Declaration of Conflicting Interests**

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

### **Funding**

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

### **REFERENCES**

- Ibermos, M.H., Herfem, J. G. (2009). *"Descriptive lexicon of literary terms (English-Persian)"*, Translator: Saeed Sabzian M. Tehran: Rahnama publication.
- Hagh shenas, A. M. (2009). *"Molana & Hafez"*, Literary criticism. Year 1 No.2, pp. 29-11.
- Dante, A. (2009(a)), *"Divine Comedy-Hell (Volume I)"*, Translated by Shojaeddin Shafa, 7<sup>th</sup> edition, Tehran: Amir Kabir Publications.
- Dante, A. (2008), *"Comedy Divine-Hell (Volume II)"*, Translated by Shojaeddin Shafa, 16<sup>th</sup> edition Tehran: Amir Kabir Publications.
- Dante, A. (2009(b)), *"Divine Comedy - Paradise (Volume 3)"*, Translated by Shojaeddin Shafa, 7<sup>th</sup> edition, Tehran: Amir Kabir Publication.
- Forrokh, O. (2004), *"The philosophical beliefs of Abulala"*, Translated by Hussein Khadiv Jam. Tehran: Scientific and Cultural.
- Moerri, A. (No date), *"Education. Illumination and translation of Abdolmohammad Ayati"*, 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Ashrafi publication organization.
- [Rezaee, A. \(2018\). "Intertextuality and literary type \(literary influences from each other\)". Journal of Language Teaching, Literature & Linguistics, \(ISSN: 2645-3428\), Vol. 1 \(1\), pp. 23-48.](#)
- [Hessavi, M. J. \(2018\). "The Motives for Calling Traditions in Contemporary Poetry". Journal of Language Teaching, Literature & Linguistics, \(ISSN: 2645-3428\), Vol. 1 \(2\), pp. 25-54.](#)